

دو مکتوب تاریخی

در سال ۱۸۳۸ میلادی مطابق با ۱۲۰۴ هجری سرجان مک نیل Sir John MacNeil در تهران دولت ایران را بقطع رابطه بین دولتین ایران و انگلیس تهدید نمود و اولتیماتوم شدیدی داد که اگر دولت ایران از لشکر کشی و تسخیر هرات منصرف نشود بطریق دیگر مقاصد بریتانیا را در ایران عملی خواهد نمود، و بلافاصله پایتخت ایران را ترک کرد و از راه زنجان و آذربایجان بسرحدات دولت عثمانی روان گردید.

سرجان مک نیل از زنجان کاغذی بحاج سید محمد باقر شفتی (۱) حجة الاسلام بزرگترین مجتهد زمان نوشته و چنانکه خود حاج سید محمد باقر تفرس نموده است خواسته که آن دانشمند روحانی را به نیرنگ و تدلیس در اجرای مقاصد دولت انگلیس باخود همراه نماید. نامهٔ مزبور بدوازدهم شهر جمادی الثانیه ۱۲۰۴ هجری در مسجد بیدآباد بدست حجة الاسلام رسید و در بیست و هشتم همان ماه از طرف مرحوم حجة الاسلام بوی جواب گفته شده است که اینک عین هر دو نامه تقدیم میشود. اراك - ابراهيم دهگان

نامهٔ وزیر مختار انگلیس بحاج سید محمد باقر شفتی :

بر صفة صحیفهٔ صدق و صفا مینگارم که در اینوقت واجب گردیده بود که مخلص از این مملکت عازم و روانه شود طریقهٔ صداقت و روبروئی محالست را لازم بل متعتم آمد که از کمیت برخی حالات و کیفیت بعضی امورات دائر فیما بین دولتین هلیتین ایران و انگلیس را خاطر قدسی مظاهر آن پیشوای امت خیر الانام علیه و آله التحیه و السلام را علیم و خبیر سازد لهذا مبادرت کرده به تحریر این نامه صدق علامه پرداخت و ضمناً مجملی از مفصل وقایع را مشهود رأی شریعت پناه میدارد که مخلص که ایلچی مخصوص و وزیر مختار دولت بهیة انگلیس است و مأمور بسفارت دولت علیه ایران شده بود بجهت انجام بعضی مطالب که در حقیقت خلاف منظور است معاهده میمونهٔ فیما بین دولتین بهیترین است و رفع یارهٔ مفاسد که از آن جمله خفت و بیحرمتی بود که از جانب امنای دولت علیه ایران نسبت بدولت بهیه رخ نموده بود روانهٔ اردوی کیوان شکوه شهریاری شد بعد از ورود باردوی معلی مطالب امنای دولت بهیه را بطریق حق و انصاف بامنای دولت علیه اظهار داشت و خواهش اجرای مطالب مذکوره را از امنای دولت علیه نمود و چنان دانست که امنای دولت علیه نظر بیاسداری دوستی چندین سالهٔ دولت بهیه با وجود همه تقویت و جانبداریها که از دولت بهیه مشاهده کرده اند و خدماتیکه خود نیز در خیرخواهی و استقامت این دولت علیه در عرض مدت بیست سال بغاقان مغفور خلد آشیان انارالله برهانیه و نایب الخلافةٔ مرور جنت مکان و اعلیحضرت

(۱) حاج سید محمد باقر بن محمد تقی الموسوی الجیلانی الشفتی ثم الاصفهانی از اجلهٔ علماء وقت و بزرگتر روحانی زمان بین الاقرا ن بود. وی بسال ۱۱۸۰ متولد شده بود و عصر یکشنبه دوم ربیع الاول ۱۲۶۰ دارفانی را بدرود گفت از آثار آن مرحوم مسجد محلهٔ بیدآباد معروف است. فتحعلی شاه قاجار نسبت بحاجی شفتی ارادت خاصی داشبه و بگفتهٔ شاهزاده ظل السلطان منحصراً مرید او بوده است و حجة الاسلام نیز در زمان خود تسلط کامل باوضاع داشته تا بجائیکه یکدفعه هم از طرف دولت وقت از او تقاضا شد که مدتی را متوقف در هتبات عالیت کردند.

شهریاری نموده مطالب دولت بهیه را معمول و مجری خواهند داشت و فسخ هزیمت و ترك این ارادت که نشانه مخالفت بادولت بهیه است و امنای دولت علیه ذر نظر دارند خواهند نمود وهم تلافی خفت و بی حرمتی که بدولت بهیه شده خواهند کرد و درصدد رفع کلفت و تقار فیما بین خواهند بر آمد ، بعد از اظهار و اصرار جوابی که موافق صواب باشد و آیت رفع کدورت از اظاهر شود از امنای دولت علیه مسوع نیفتاد و هویدا نگشت بلکه زیاده سوء سلوک و تغییر رفتار از امنای دولت علیه مشاهده رفت که منافات کلی با شرایط دوستی داشت آخر الامر چون ملحوظ و مفهوم شد که امنای دولت علیه بهیچ وجه معمول داشتن مطالب اولیای دولت بهیه را منظور ندارند و بهیچوجه در مقام رضا جوئی خاطر ایشان بر نمایند و تکالیفی را هم که محض استقامت دوستی دولتین بهتین است و آسایش خلق این مملکت در آن تصور است قبول نیفرمایند و یکباره قطع نظر از حمایت و دوستی دولت بهیه کرده مودت و مرابطه دولت بهیه را بجهت خود لایضرو لایبفع گرفته اند مع ذلك مخلص بودن خود را در اینجا بی حاصل شمرد زیرا که آنچه در قوه داشت مکالمه و مکاتبه نمود و خواهش اجرای مطلب را کرد که این دوستی چندین ساله تصور و فتوری بهم نرساند عاقبت بجائی نرسید و جواب کافی شافی شنیده نشد و چنانچه مطلبی را هم قبول میکردند فی الفور از آن قبول نکول میکردند ناچار از اردوی پادشاهی بیرون آمد و در حین مراجعت از اردو خبر رسید و امنای دولت اعلام کرده بودند که جهازات جنگی دولت بهیه مأمور و وارد بحر فارس کردند که هر گاه امنای دولت علیه ایران مطالب عدالتانه دولت بهیه را بطریق دوستی بعمل نیاورند بطریق دیگر مطالبه بعمل آوردن مطالب شود. بعد از وصول این خبر باز هم این مخلص صداقت شعار محض خیر خواهی دولت پادشاهی و خلق این مملکت یک نفر از نایب های خود را از عرض راه مأمور بر کلب مستطاب پادشاهی نمود و از رسیدن قشون دولت بهیه به بحر فارس و قصد ایشان از آمدن با آنجا اعلام کرد. اگر چه مکرر سود و زبان دوستی دولت بهیه را با امنای دولت علیه اشعار کرده بود مجدداً نیز آنچه لازم خیر خواهی دولت علیه ایران بود اظهار ساخت و تکلیف خود را چنانکه باید و شاید در مراسم سفارت خاص خود بعمل آورد و از عهدۀ خود ساقط کرده اختیار دوستی و مخالفت را بخود امنای دولت علیه واگذار نمود اکنون رفع فساد و برپا نمودن نزاع در عهدۀ و اختیار خود امنای دولت علیه ایران است . ظاهر آنست که هر گاه امنای دولت علیه ایران مطالب منصفانه دولت بهیه انگلیس را مجری و معمول داشتند امنای دولت بهیه ترك قصد و عزیمت خود را خواهند نمود زیرا که بهیچوجه راضی بکار شکنی و فساد دولت علیه و مملکت محروسه ایران نمیشاند و چنانچه بعد از هم این اعلام و اصرار مخلص که با امنای دولت علیه شده است در صدد رضا جوئی و اجرای مطالب امنای دولت بهیه بر نیامدند و تکالیف عدالتانه ایشان را قبول نکردند دولت بهیه ناچار است که بطریق دیگر در مقام طلب حق و چاره کار خود برآید و این معنی اظهار من الشمس است که بعد از آنکه امنای دولت بهیه انگلیس را مضطرب و لاعلاج کردند که بنای بی اعتدالی و خصومت را گذارند با دولت علیه ایران بهیچوجه متعرض و مزاحم اهل بلاد ایران نخواهند شد و در مقام عناد و دشمنی با جمیع اهل بلاد ایران بر نخواهند آمد . امنای دولت بهیه را هر حرف و تکلیفی که در میان است با امنای دولت علیه ایران خواهد بود و هیچگونه دخلی بر عیای این مملکت نخواهد داشت جهت اینکه کار گذاران و گماشتگان دولت بهیه در هر خصوص و هر مورد کمال رضامندی و خوشنودی از رفتار و مهربانی و ضیع و شریف اهل این بلاد حاصل کرده اند و نهایت خوشوقتی داشتند و دارند . هر گز در مقام ایداء و اذیت جانی و مالی و هتک آبروی ایشان بر نخواهند آمد و حتی المقسور در نظر داشته و دارند و سومی و اهتمام کرده و میکنند که بقدر حبه و دیناری ضرر و خسارت باهل بلاد محروسه ایران نرسانند و از هیچ رهگذر خاطر ایشان را رنجبه ننازند ضرر آنها را نقصان خود و سود

ایشانرا بهبود خود می‌شمارند و همچنین سود و زیان طرفین را راجع و عاید یکدیگر میدانند. مع هذا امید دارد که اعلیحضرت شهریار می‌شاهد استقامت دولت علیه خود و فایده دوستی و دولت بهیبه را نموده از راه چاره برآیند و رفع این کدورت که در میان است و اکنون در کمال سهولت خواهد شد بطریق شایسته شده باشد و باز این خیر خواه مراجعت نموده در تزیاید دوستی و اتحاد فیما بین دولتین علیتین بگردد و بنیان دوستی را بیش از پیش مشید و مرصوص سازد و چون زیاده از جانب امنای دولت بهیبه خود مآذون نبود که در صورت عمل نیامدن مطالب در بلاد محروسه ایران توقف کند عازم و روانه گردید ولیکن از دار الخلافه الی سرحد دولت سنیه روم در هر جا که خبر اجرای مطالب برسد و از نایب خود شرحی مبنی بر عمل آوردن خواهشها و اصل شود مراجعت و معاودت خواهند نمود. امید بسیار دارد که خبر اجرای مطالب برسد و این دوستی دیرین بدل بمغایرت و دورنگی نشود. چون مراتب از لوازم بود مصدع احوال رأفت اشتمال آمد باقی فوایم دین مبین و قواعد شرع متین بانوار علم و تقوی و آثار حکم و فتوی آن شریعت پناه مرقع و معلى باد.

جواب جناب سید بوزیر مختار انگلیس

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين. الصلوة والسلام على اشرف البرية محمد وآله اجمعين الذينهم غاية خلق السموات والارضين. اما بعد خير خواه كافة بندگان خالق جهان و خادم شریعت مطهره انس و جان هلیه و آله التحیه من الله المنان مکشوف ضمیر فطانت تخمیر خلافت نصاب شوکت اکتساب وزیر مختار بی تدلیس و مقرب دربار دولت انگلیس میدارد که صباح یوم یکشنبه دوازدهم شهر جمادی الثانیه من شهر رهاز رودیست و پنجاه و چهار هجریه مقدسه کتاب صواب نمای مودت اقتضای مصحوب ساعی که مینمود او را از زنجان روانه ساخته اند در مسجد جدید و معد منیع سدید بعد از فراغ از طاعت و عبادت خالق فرید و حید در جمعی که انجم سیار افلاک علوم رسول مختار بجهت استضاء ضیاء علوم ربانی و احکام آسمانی مجتمع و مستمع میبودند بنظر خادم شریعت خیر البشر رسید، مضامین مطویه و مطالب محویه که آن کتاب حاوی و منظوم بر آن بود با تأمل مشاهده و مصفی گردید حال که دوشنبه بیستم شهر مزبور است بچواب آن جناب از روی صدق و صواب اقدام مینماید که اگر چه حق جواب مقتضی بسط مقال در ضمن چند کتاب و مستلزم اطناب در خطابست لیکن نظر باعتبار مادی که بر فهم و فراست امانه دولت دیشوکت انگلیس داریم بر معظم فقرات و مطالب کتاب مرسل در ضمن همین کتاب جوابی نگاشته میگردد و به تنصیص و تصریح که با اشارت و تلویح که رفته کل مطالب دریافت خواهد شد لیکن توقع اینست که امنای دولت بهیبه نظر منصفانه و تأمل عاقلانه در آن کنند و در رد و قبول آن جز عقل سلیم و فهم مستقیم را مدخل ندهند و مراتب مرقومه درمراسله مرسله منحل بچند مطلب میشود و الله اعلم بالصواب.

اول بیان آنکه سبب رفتن آن جلالت مآب باردوی همایون دولت علیه اسلام پناهی سان الله شو کتبه عن التناهی این بود که انجام بعضی مطالب که نتیجه آن رفع خلاف مابین دولتین است داده و معانی و داد مابین دولتین را مستحکم کرده و تدارک بیحرمتی که از امنای دولت علیه اسلام بدولت بهیبه انگلیس شده نموده باشند.

دویم بیان خدمات خود بدولت علیه اسلام و آنکه نظر بخدماتی که در عهد خاقان مغفور در مدت بیست سال بدولت علیه و نایب السلطنه مرور و به بندگان اسلامیان پناهی نمودید معتقد این معنی بودید که جمیع مطالب و سؤالات و مقاصد که باعث رفتن باردوی همایون بوده امنای دولت علیه بانجا مقرون خواهند فرمود و بعد از رفتن و اظهار کردن خلاف آن بظهور رسید.

سیم - بیان آنکه از تکالیف مطالب که اظهار می نمودید بزودی نکول میکردند.

چهارم - بیان آنکه چنین یافتید که امانه دولت علیه قطع نظر از دوستی دولت بهیه نموده‌اند و آنرا لایضرو لاینفع دانسته‌اند و باینواسطه بودن خود را در اردو بی حاصل دیده ناچار بیرون آمدید .

پنجم - بیان آنکه خیرورود جهازات جنگی بیحرفارس وقت مراجعت از اردو رسید که هر گاه دولت علیه تکالیف عدالتانرا بدوستی بعمل نیاورند بطریق دیگر مطالب حق و چاره کار خود بر آیند .

ششم - بیان آنکه دولت بهیه ناچار است هر گاه دولت علیه تکالیف عدالتانرا بدوستی بعمل نیاورند بطریق دیگر در طلب حق و چاره کار خود بر آیند .

هفتم - بیان آنکه هر گاه دولت علیه دولت بهیه را مضطر کرد و بنای بی اعتدالی و خصومت با دولت علیه گذارد بهیچوجه مزاحم و متعرض اهل بلاد ایران نخواهد شد و عناد و دشمنی با جمیع ایران ندارد و خصومت با امانه و سلطان است نه رعیت ایران و از این قبیل استمات و جلب قلب و مهر بانی و لطایف .

هشتم - بیان آنکه با آنهمه ناملازمات که از امنای دولت علیه دیدید باز انتظار روزین روائح دوستی و ملاطفت دارید که در هر کجا از سرحدات روم خیر قبول تکالیف رسد مراجعت کنید و در اشتحکام مبانی دوستی و رفع کدورت کوشید .

نهم - بیان آنکه اطلاع این خادم شریعت مطهره را از لوازم دانستید و بر مراتب دایره مابین دولتین اطلاع دادید .

اما جواب از مطب اول آنکه مخفی و مستور نماناد بعضی از امور هست که حسن و فبیح آن متفق علیه جمیع امم و فرق و طوایف و بسرحد ضرورت و بدهامت و مجال انکار نیست از آنجمله حسن عدل و انصاف و فبیح ظلم و اعتساف است که هیچ ذی عقل و شعوری انکار آن ننماید بلکه تصدیق میکند و بر قاطبه سکان دولت و مملکت ایران و بر بسیاری از اهالی سایر ممالک مشخص و معلوم گردید که قرنی است اهالی ترکستان بر بندگان خالق جهان از اهل خراسان اشد ظلم و عنوان مینمودند بلکه اختصاص باهل خراسان ندارد در بنده خدائیکه در خراسان و استرآباد و غیره بچنگ ایشان میافتاد از رجال و نسا و صبایا و اطفال برخی را میکشند و بقیه السیف را در کمال شدت و اذیت با مال و اموال اسیر کرده و دستگیر نموده با جمیع اموال برده و بسیار اتفاق افتاده که غفلتاً بر قری و نواحی شیخون آورده بالمره را اسیر و دستگیر نموده با جمیع اموال برده که حال بسیاری از اولیات باینواسطه خراب و ویران مانده بعلاوه در این اوقات ظلم و تعدی را در هرات بر بندگان خالق جهان از حد گذرانیده حتی آنکه برخی بندگان خدا را در دیگ جوشانیدند و بعضی را شقه کردند و بانواع سیاستهای دیگر هلاک کردند و اموال آنها را متصرف شده اهل و عیالشانرا فروختند شنایع و قبایح آنها زیاده از آنست که در امثال این صفحات تحریر توان نمود با این احوال و اوضاع عقل قاضی و حاکم است افعال صادره از آنها محض ظلم بلکه اشد ظلم است و در صدد تنبیه و مؤاخذة و قلع و قمع و دفع آنها بر آمدن عین عدل بلکه کمال عدل است و قطعی است هر گاه در سرحدات دولت بهیه امثال این مفاسد روی دهد بهیچ قسم از خود راضی بشکاهل و تسامح نمیگردند و کمال اهتمام در دفع امثال این مفاسد میفرمایند و چنین نیست که ما از قواعد دولت بهیه اطلاع نداشته باشیم چه بنای اساس قواعد ایشان بر عدم ابتدای بندگان خالق زمین و آسمان است بناءً علیه میگوئیم امنای دولت علیه باعلی صوت ندا میکنند که ما را منظوری نیست مگر رفع مظالم و مفاسد اهالی ترکستان و دفع ظلم ایشان از بندگان خالق جهان و استخلاص اسرای مظلوم بیگناه از ایادی ظلمه روزگار تباه نه مال منظور است و نه ملک و نه جاه و نه جلال پس عمل امناء دولت علیه نظر باینکه مقتضای عدل و انصاف و مرضی نفوس کارمه از جور و اعتساف است دولت بهیه باید بر این عمل مدح و وصف کند نه اینکه کاره باشد و چون موافق و مطابق عهد عبودیت خالق زمین و آسمان

که فوق همه عهود و موافق است عین توافق معاهده مابین دولتین شمارند خلاف معاهده چه معاهده ما بین به ترک مقتضیات عدالت و ترک اطاعت حضرت رب العزت نخواهد بود پس خلاف معاهده و مخالفتی بظهور نرسیده. اما بی حرمتی که اظهار شده بود بالنسبه بدولت بهیه هر گاه مقصود عمل مزبور است که معلوم شد دخلی به بیحرمتی ندارد و البته مرضی دولت بهیه مذکور خواهد بود و هر گاه مقصود سوء سلوکی است که از بعضی جنود دولت علیه بالنسبه بشما صادر این معنی نیز واضح است و معلوم که بر فرض وقوع باشارت یا رضای ارکان دولت علیه وقوع نیافته و از شخصی که بیحرمتی صادر شد دخلی بر حال دولت ندارد چه در رکاب همایون و اردوی میمون اشخاص متفاوت الراتب میباشد بعضی هستند که قبض و بسط مهمات امور و نظر در صلاح و فساد و حال جمهور مفوض بایشان است و راعی و حافظ صلاح عامه میباشد و معدودی که باین درجه باشند بلکه شاید منحصر در فرد باشد و اکثره چنین نیستند بلکه هر گاه مانعی نداشتند باشند مزیح دولت خواهند بود هر گاه از صنف اول حرکت موهنی صادر شده باشد معینی بمقام گله و شکایت است و هر گاه از اشخاص دیگر است معتنی به نخواهد بود و از باب عقول در امثال این مقام بافماض عین میگزارند و با وجود استیلا و تسط در صدد مؤاخذة یا شکوه یا گله بر نیایند بناه علیه در این مقام مناسب در حق شما عدم اظهار و اغماض بود.

اما جواب از مطلب دویم - اینست که چنین نیست که اولیاء دولت علیه و رجال سلطنت اسلامیة غافل از خدمات چندین ساله امانه دولت بهیه و محبتها و مودتهای ایشان باشند و مجال اقماض و انکار نخواهد بود و در نظر خواهند داشت چه مکر را زهر باب و هر جهت محبتها دیده هدایای نفیسه از آن دولت باین دولت آمده و نقود کثیره و سلاح و اسباب جنگ آورده اند و تعلیم نظام از مهندسین و معلمین ایشان گرفته اند و اینها چیزی نیست که عظمای ایران بر آن مطلع نباشند و به ترضیع آن خدمات و زحمات حقوق راضی شوند اما آنچه دلیل بی اعتنائی و عدم رعایت حقوق دوستی و امارت نسیان از خدمات سابقه و لاحقہ قرار داده بود دلیل و اماره نخواهد بود چه دلیل شما محض عدم قبول دولت علیه است خواهش شما را و چنانچه از بطون کلمات شما معلوم باشد عمده خواهش شما نسخ عزیمت ترکستان و کشور گشائی آنسامان بود و این خواهش در این اوقات خلاف مقتضای خیر خواهی و صلاح اندیشی بود آخر شما خود عاقلید و اعتقاد ما این است در امثال خود بمقل و فطانت ممتازید انصاف بدهید که صحیح بود امانه دولت علیه با این خزائن که صرف کردند و این مشاق و متاع که متحمل شدند و اینهمه عساکر و جنود که ترتیب دادند و مدتی مدید در آن صفحات توقف کردند و اینهمه مجادلات اتفاق افتاد قبل از آنکه کار با تمام و مطلب بانجام و اختلاف بانظام رسد معاودت کنند بدون الجاء واضطرار و ضرورت و صلاح کار آیا چنین عمل ملایم با اساس سلطنت و مملکتداری و جهان بینی و کشور گشائی بود هیچ احدی تصدیق بر این مطلب نمینماید و این رأی را نمی پسندد این معنی را ادانی بر خود نمی پسندند و روا نمیدارند چه جای اهالی و عظمای ایران سیماسلطان و الاشان حفظه الله تعالی عن آفات الزمان و ظاهر این است که امنای دولت بهیه بمفاسد اعمال اهالی ترکستان بتجوی که مرقوم شد مطلع نباشد و شما هم درست ملتفت نباشید والا نباید ایشانرا کراهتی و شمارا ملالتی از تسخیر دولت علیه ترکستانرا بوده باشد.

اما جواب از مطلب سیم - که قبول و نکول امنای دولت علیه مطالب را حمل بر عدم استقامت مزاج و ایامه بر فتور رای کرده بودید اینست که چون عمده مطالب شما دست باز گرفتن از تسخیر هرات و ترکستان بود و فسخ اتمام کار لهذا بملاحظه سوابق محبت و رعایت جانب مؤالف خدمت قبول مقتضیات شما را مینموده اند و بملاحظه اینکه قبول این امر منافی با قواعد سلطنت و منافض با انتظام امر مملکت و خلاف مصلحت دولت میباشدند نکول میفرموده اند پس قبول و نکول را بر فتور و قصور رای

حمل نباید کرد بلکه قبول را نشانه دوستی و احترام و نکول را علامت مملکتداری و انتظام باید دانست بلی هر گاه بعد از اطلاع شما بر بواعث و دواعی حرکت و نهضت اردوی همایون بسمت هرات و ترکستان و قبل از ورود بساحات هرات و ترکستان رفع بواعث و دواعی حرکت را میکردند و تمنای فسخ عزیمت مینمودید از ایشان و امانه دولت علیه قبول نمینمودند معمول بر لجاج و عناد بود و هر گاه قبول میکردند در اینصورت و بعد نکول مینمودند معمول بر فتور و قصور رای بود بنا بر این در این حال که هستند مورد بعث و ملامت نخواهند بود بلکه در اینوقت وفاء دوستی مقضی تدبیر و سعی در انجام و اتمام امر است.

اما جواب از مطلب چهارم - که حاصل آن استنباط قطع دوستی و لایبضرو لایبفیع دانستن دولت بهیه را این است که این توهم و خیال ناشی از تصورات و امارات نیست که اظهار کرده بودید و آن تصورات و امارات بدلائل مردود شد بمقتضای ادله دوستی برقرار و عهده قدیم استوار خواهد بود و چگونه عاقل قطع نظر از منفعت امریکه حسن آن ظاهر و بین است بلا سبب مینماید و چگونه غافل از مضرت عملی که ضرر آن مشاهده و محسوس است بدون جهت میگردد.

اما از مطلب پنجم - که آمدن چند جهاز بیحرفارس تصدیق میکنیم لیکن اعتقاد نداریم منظور خصومت باشد چه از اوضاع دولت بهیه مطلعیم با خصماء حقیقی از روی صلاح و عقل و تدبیر و مدارا سلوک میفرمایند.

اما جواب از مطلب ششم - که ناچار بودن دولت بهیه در صورت بجا نیاموردن دولت علیه مطالب عدالتانها را بدوستی بطریق دیگر مطالبه کنند و در صدد چاره کار خود بر آیند اینست که مطالب عدالتانها کدام و چاره کار ایشان چیست و کدام خلل و فساد در امور مملکت یا سلطنت دولت بهیه رو خواهد داد که ناچار با اقدام خصومت شوند یا کدام خلل و فساد رو داده که ناچار باید بچاره کار خود بکوشند مخصوصه و مجادله دولت علیه را با اهالی سرحدات ترکستان چه مناسبت با ممالک دولت بهیه.

اما جواب از مطلب هفتم - اولاً میخواستیم بفهمیم که کدام امر بجهت دولت بهیه رو خواهد داد که مستند بدوات علیه باشد و باعث اضطراب ایشان شود اقدام با مثال این امور عظیمه خطیره بر فرض اینکه خلاف معاهده باشد موجب اضطراب دولت بهیه در خصومت کردن و عداوت ورزیدن نخواهد بود و بعلاوه امور عظیمه و خطیره را سهل شمردن و آسان پنداشتن از متانت و فطانت دورو از رویه عقل مهجور است و در مقام نصیحت بیان این مطلب اکتفا میرود که یکی از مقاصد کلیه از بعثت انبیاء و رسل مؤالفت و استیناس عباد الله و رفع مخالفت و عداوت بوده و بی موجبی و سببی اسباب خلاف و عداوت چیدن و مؤالفت را بکلفت و انس را بوحشت و محبت را بعبادت بدل کردن خلاف طریقه کل انبیاء و رسل و نقیض مقصود جمیع هادیان سبل است و عقل و نقل و کتب آسمانی قاضی بر قبح آنست و چگونه امنای دولت بهیه راضی بصدور حرکتی از خود میکردند که قبح آن اظهار من الشمس است چنین گمان در باره ایشان نبرده و نمیبیریم.

اما جواب از مطلب هشتم - آنکه میگوئیم معلوم است مقصود شما از مطلع ساختن این خادم شریعت مطهره بر مطالبه مرقومه محض مطلع ساختن نبوده و نیست بلکه مقاصدی در نظر گرفته اید که عمده آن اقدام این خیر خواه فاطمه عباد است در دفع موانع الفت و دفع مفاسد کلفت و سعی در مقتضیات محبت و معلوم است التفات شما بر این مطلب مقتضای فطانت و معقولیت است و لیکن چو استحقاق و اساس مودت موقوف بر جوع امانه دولت علیه است و بواسطه بعد مسافت مابین سهولت رسل و رسائل را ذهاب و ایاب و قرب حصول جواب میسر نیست و از طرز بیان شما معلوم میشود که مدتی است این

مطالب در قلب شما خلدجان داشته و در این اوقات اظهار کرده‌اید هر گاه زودتر ما را خبر داده بودید بدلائل شافیه کافیه از جانب خود و امارات ظاهره باهره از جانب امانه دولت علیه بر شما مدلل و مبرهن مینمودیم که قصد خلافیونیت خصومت و فساد دولت علیه را بادولت بهیه نبوده و نخواهد بود این خطورات را از خاطر شما بیرون کردیم حال که مطلع شدیم آنچه صلاح نشأتین خود و خیرخواهی دولتین در آنست مرقوم شد و مطالبیکه مصلحت دانیم معروض زای بندگان ظل‌اللهی صان‌الله شوکته عن التناهی و مکشوف ضمیر امانه دولت اسلام پناهی خواهیم داشت تا اشارت دولت علیه چه رود و زجال دولت علیه چه نحو مصلحت دانند و چه مقرر فرمایند آن شوکت مدار نیز بتدارک و تلافی اهمال و مسامحه که در این ظرف مدت کرده‌اند از اطلاع دادن بر مکتوبات خاطر خو و اظهار مطالب من بعد را مسامحه ننمایند تا بشمرات آن برخوردارند زیاده مرقوم نمی‌گردد توقع آنکه بنظر تأمل و تدبیر در مرقومات ننگرند و خلاف مقتضای آن بظهور نرسانند . والسلام علی من اتبع الهدی و نهی النفس عن الهوی .



کاردار سفارت کبرای پاکستان

از چپ بر راست : خواجه عبدالحمید عرفانی وابسته مطبوعاتی سفارت کبرای پاکستان -
 استاد مجتبی مینوی رئیس تعلیمات غالبه و روابط فرهنگی - میان نسیم حسین کاردار جدید سفارت
 کبرای شوروی - حبیب یغمائی .